

مسجد، پناهگاهی برای گمنامان

مسجد امام حسن مجتبی^(ع) اگر چه دیگر مسجدی بین راهی نیست، همچنان رونق گذشته ها را دارد. حالا به شکلی دیگر مأمن و پناه است و به شکل دیگری به کار مردم می آید. در حال حاضر سوای اینکه نماز جماعت ظهر و شب در این مسجد برقرار است و در روزهای ماه مبارک با افطاری ساده ای از نمازگزاران پذیرایی می شود، یک کارایی خاص و ویژه یافته است. از قرار معلوم بیش از پانزده سال است که این مکان مقدس، پاتوق ثابت اهالی جامعه الکلی های ترک کرده گمنام است. افرادی که از دل یک سیاهی عمیق که روزگاری زندگی شان را فرا گرفته بود، نور را پیدا کردند و حالا ساکن خانه نورانی خدا شده اند. کسانی که با همت و تلاش و توکل، توانستند سایه شوم اعتیاد را از سر خود دور کنند و حالا بابتی خالص و درونی پاک در این مسجد دور هم جمع می شوند و کلاس های آموزشی و انگیزشی خود را در اینجا برگزار می کنند تا به یمن پاکی خانه خدا، در راهی که خدا پیش پایشان گذاشته است، ثابت قدم باشند. کلاس خانم ها در روزهای زوج برگزار می شود و آقایان نیز هر شب به مدت دو ساعت پای درس های این کلاس ها می نشینند.

یکی از این گمنامان به حال و هوای این مسجد اشاره می کند و می گوید: اینجا مسجدی بی زرق و برق است که خیلی آرامش دارد. ما اینجا را خانه خودمان می دانیم. اینجا قلبمان آرام می شود و هر کسی که در این مسیر با ما همراه می شود، از بودن در این مکان همین حس را دریافت می کند.

نذر ماندگار درخت

سید محمد حسینی متولد ۱۳۳۹ در نیشابور است. از دوازده سالگی به مشهد آمد و تا پانزده سالگی در محله نخریسی در صافکاری اتوبوس و مینی بوس، شاگردی کرد. در همان دوران بود که پس از آشنایی با حاج حسن، یکی از مغازه های گاراژ شیرازی را اجاره کرد و کاروبار خودش را راه انداخت.

او درباره خصوصیات مرحوم می گوید: حاج حسن اینجا ریاست نمی کرد؛ هر کاری که از دست خودش برمی آمد، انجام می داد. در مسیر جوی آبی که از اینجا رد می شد، با دست های خودش صدها درخت کاشت و از آن ها مراقبت کرد. درخت های توت جلو این گاراژ که الان تنومند شده اند، نهال های نحیفی بودند که خودش مواظبتشان بود و آبشان می داد. آن ها حالا برای استفاده مردم و رهگذرها مانده اند. با اینکه کسی نمی گوید این درخت را چه کسی کاشت، خیرش حالا می رسد به حاج حسن. وقتی دیوارها و اسکلت مسجد رفت بالا من نبودم، اما سنگ های کمر دیوار داخل مسجد را که می زدند، هم من بودم و هم خودش که می دیدم پایه پای کارگر بٹاها کار می کند.

حسن مجتبی(ع) و گاراژ معروف شیرازی را بنا کرد

با

می خواست

دارایی دنیوی و اخروی او و حالا هم به ملجأ و مأمن و پناهی برای این محله و اهالی اش تبدیل شده است. از اولین آجرهای دیوار «مسجد امام حسن مجتبی^(ع)» تا آخرین فرش هایی که برای نمازگزاران پهن شد، همه به همت فردی انجام شد که اهالی محل «بابا» صدایش می کردند. این روایت، برگه ای از زندگی خبرنگار حاج حسن احمدی شیرازی، بزرگ محله انصار است که حدود سه سال می شود رخت از این دنیای فانی بسته، اما سنگ بنای امور خیر و یاد نیکش همچنان باقی است.

وصیت نیک حاج حسن

پسر ارشد حاج حسن، اصلی ترین توصیه پدرش به سیزده فرزند خود و به ویژه پسر ها را احترام به بزرگ تر بیان می کند. بعد از آن هم تأکید بر تعامل و اتحاد و در نهایت هم خواسته اصلی از بچه ها اینکه: «دیگ نذری حضرت رضا^(ع) را خالی نگذارید». پسران شیرازی می گویند: دست خودمان نیست. کمی مانده به موعد ادای نذر بابا، شور و شوقی در خودمان حس می کنیم که توصیف شدنی نیست. ما از خودمان مطمئنیم که ان شاء... تا زنده هستیم، چراغ این مسجد روشن است و اجاق شله پزان نذری هم خاموش نمی شود. بماند که ماهم از همین حالا درباره این مجلس و این مسجد به فرزندانمان سفارش کرده و گفته ایم که هر طوری هست، چراغش را روشن نگه دارند.

کارگردن و دست پدر

دورترین خاطره پسر ها از گاراژ مربوط به حدود ده سالگی شان است. زمانی که دیگر کم کم کودکی را پشت سر گذاشته و اجازه پیدا کرده اند همراه پدر به خارج شهر و محل کارش بیایند. پس از آن هم در تعطیلاتی های تابستان پسر ها در همین گاراژ کنار دست استاد کار های تعمیر ماشین سنگین، شاگردی کردند و کار یاد گرفتند و خودشان رفته رفته استاد شدند. شیرین ترین خاطرات محسن شیرازی از کودکی و نوجوانی اش مربوط به زمان هایی است که پدرش مسئولیتی از کار های گاراژ و مسجد را به او می سپرد، به خصوص در روزی که دیگ های نذری را بار گذاشتند و او مسئول آتش اجاق ها بود.

میراث ماندگار شیرازی

علی و محسن شیرازی که حالا وارثان پدر در امور مسجد و مسئول ادای نذر او هستند، فرزندان خودشان را هم پای کار آورده اند و معتقدند برای اینکه این قبیل کارها به درستی به دست نسل بعد برسد و آن ها هم چراغ چنین مجالسی را روشن نگه دارند، از همین حالا باید به آن ها مسئولیت داده شود تا بعضی کارها را خودشان مدیریت و اجرا کنند. به گفته آن ها وقتی جوان ها را مهمان بشماریم و به آن ها اعتماد کنیم، خیلی بهتر از پس کارها بر خواهند آمد و خودشان علاقه پیدا می کنند که مسئولیت های بیشتری را بپذیرند.

